

مناجات یا الهی نامه خواجه عبدالله انصاری*

نوشته بو اوتاس (Bo Utas)
استاد دانشگاه اویسالا (سوئد)
ترجمه شهرزاد نیکنام

ما معمولاً تمایل داریم که در اصالت اثر شک نکنیم و بدان همچون پدیده‌ای بنگریم که به طور مستدل ثابت و مشخص شده است. اما در تاریخ ادبیات فارسی به موارد بی‌شمار می‌خوریم که با چنین تصویری سازگار نیست. تشخیص اصالت یک اثر مشکلات بسیاری در بر دارد. رباعیات سرگردان عمر خیام نمونه بارزی از این دست آثار است. محبوبیت زیاد این اثر در میان مردم به جهت ترجمه فیتز جرالد است که موجب اقبال فراگیر مردم به آن در آغاز این قرن شده است. نمونه دیگری که من درباره آن تحقیقاتی کرده‌ام^۱ و جی. تی. پی. دوپرون^۲ بسیار خوب بدان پرداخته، اثر حکیم سنایی

* ترجمه‌ای است از مقاله زیر:

Bo Utas, *The Munājāt or Ilāhī-nāmah of 'Abdu'llāh Anṣārī, Manuscript of the Middle East, Volume 3, Ter Lugt Press, Leiden, 1988.*

۱. بنگرید به: پایان‌نامه نگارنده، طریق‌التحقیق، منسوب به حکیم سنایی غزنوی، با تصحیحات و حواشی و تاریخ متن، به کوشش بو اوتاس، لوند (Lund) ۱۹۷۳.

۲. بنگرید به:

J. T. P. de Bruijn, *Of Piety and Poetry*, Leiden 1983, p. 252;

یا ترجمه آن به نام: حکیم اقلیم عشق، ترجمه مهیار علوی مقدم و محمدجواد مهدوی، مشهد ۱۳۷۸، ص ۵۹.

غزنوی است. به سادگی می توان نشان داد که چگونه یک مثنوی تعلیمی - دینی همچون آثار دیگر (که هگی بر وزن خفیف محبون است) با توجه به اثر مهم وی حدیقه الحقیقه که اصالت آن مسلم است (و آن نیز بر وزن خفیف محبون است) به سنایی نسبت داده شده است.

حتی اگر اصالت تعداد بسیاری از اشعار منسوب به سنایی یا، مثلاً مثنوی مصباح الازواج را (که اکنون درباره آن تحقیق می کنم) مورد تردید قرار دهیم، لاقلاً باید بگویم که سراینده این اشعار یک تن بوده است. اما در تحلیل آثار متعدد عربی و فارسی منسوب به خواجه عبدالله انصاری هروی، عارف قرن پنجم ممکن است همیشه به چنین نتیجه ای نرسیم. بهتر است سخن را از اینجا آغاز کنیم که بی گمان چنین شخصی وجود داشته است (او در بعداز ظهر جمعه هشتم مارس ۱۰۸۹/۴۸۱ در گذشته است)^۳، اما اینکه آیا او خود چیزی نوشته است (یعنی به معنای دقیق کلمه، نه به معنای عام آن که شامل تألیف و تدوین می شود) سؤالی است که پاسخی برای آن نداریم.

بنا بر شواهد موجود هیچ یک از آثار منسوب به خواجه عبدالله انصاری به دست خود وی نوشته نشده و او تنها یکی از آنها، یعنی منازل السائرین، را که مهمترین اثر او به زبان عربی است، به منظور انتقال کتبی املاء کرده است. وجود اجازه کتبی خواجه عبدالله در دست کم یکی از کهن ترین نسخ این اثر مؤید این نکته است.^۴

البته این بدان معنا نیست که خواجه عبدالله اهل تعلیم و تعلم از طریق کتاب نبوده است. برعکس، او عالم و محدث و فقیه حنبلی بوده، ولیکن همچون بسیاری دیگر از علمای هم عصر خویش ترجیح می داده است که چیزی ننویسد. خواجه عبدالله هم درس می گفت و هم وعظ می کرد. میدان سخنان او را می نوشتند و پس از مرتب کردن از آنها آثار مکتوبی می ساختند، یا اینکه سخنان پیرشان را از طریق درس و وعظ به نسل بعد منتقل می کردند. بدین ترتیب شاید بتوان سرنوشت اثر او را با سرنوشت اثر معروف فردینان دو سوسور^۵ به نام دوره زبانشناسی عمومی^۶ مقایسه کرد، با این تفاوت که احتمالاً سخنان خواجه عبدالله به طور شفاهی به چند نسل بعد منتقل شده است. اینکه انتقال

۳. سرژ دو بوروکوی، خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱-۳۹۶ ق. / ۱۰۸۹-۱۰۰۶ م.)، صوفی حنبلی (تحقیقاتی که زیر نظر انستیتوی ادبیات شرقی بیروت، ۲۶، انتشار یافته است)، بیروت، ۱۹۶۵، ص ۱۴۵.

۴. بنگرید به: عبدالله انصاری هروی، منازل السائرین، چاپ انتقادی سرژ دو لوزیه دو بوروکوی (= انصاریات، سوّم؛ متون و تراجم نویسندگان شرقی، ۱۹)، قاهره ۱۹۶۲، ص ۴۲-۴۵.

5. Ferdinand de Saussure

6. Cours de Linguistique générale

شفاهی و کتبی آثار او چه ارتباطی با هم داشته مسئله بسیار پیچیده‌ای است. حفظ این آثار قرن‌ها و یا حتی هزار سال پس از خاموشی گویندگان آنها کار ساده‌ای نیست. سرژ دو بوروکوی^۷ در بازسازی تاریخی متن منازل‌الساثرین تصویری بس جالب توجه از به‌کارگیری تلفیق انتقال شفاهی و کتبی در مجالس علما و صوفیه نظیر مجالس خواجه عبدالله به دست می‌دهد.^۸ آنچه برای ما تا حدی غیرمنتظره است این است که سنت شفاهی اعتبار و دقت بیشتری دارد و بدین جهت بیشتر قابل قبول است.

علاوه بر منازل‌الساثرین چند اثر مشابه به عربی و فارسی در مجموعه آثار انصاری هست که می‌دانیم چگونه به پیر هرات منسوب شده است. یکی از این آثار که شاید بتوان آن را طرح اولیه منازل‌الساثرین به فارسی دانست صمدیان است که یکی از مریدان گمنام خواجه عبدالله در سال ۴۴۸، یعنی در حدود ۲۶ سال پیش از املای منازل، از سخنان پیر در مجالس وی گرد آورده است. عبدالرزاق کاشانی، یکی از شارحان متأخر (در اوایل قرن هشتم / چهاردهم) می‌گوید که نسخه‌ای از این اثر متعلق به ۴۷۵ به همراه اجازه کتبی پیر دیده است. در مقدمه‌ای که به عربی بدین اثر نوشته شده است، و در نسخه خطی استامبول (شهید علی ۱۳۸۳، مورخ ۹۰۴) وجود دارد، آمده است که اصل آن را «تراجم مجالس عقیده» می‌گفته‌اند.^۹

دو اثر که از نظر زمانی نزدیک به تألیف منازل است، یکی کتاب ذمّ الکلام و اهله و دیگر رساله کوتاهی به نام کتاب علل المقامات است. هر دوی این آثار به زبان عربی است و هر دو اسناد مشخصی دارد مبنی بر این که سنت متنی^{۱۰} آنها به دو مرید ساهاهای آخر عمر انصاری یعنی عبدالملک کروخی و عبدالاول سجزی بر می‌گردد. اثر نخست مشتمل بر یادداشت‌هایی است که سجزی در سال ۴۷۴ در هرات از زبان خواجه عبدالله شنیده است^{۱۱} و اثر دیگر که در واقع تعلیقه‌ای است به منازل که خواجه بین سالهای ۴۷۵ تا ۴۸۱ یعنی زمان احتمالی نگارش منازل تا هنگام فوت به کروخی املاء

7. Serge de Beaucueil

۸. بنگرید به: یادداشت شماره ۴.

۹. بنگرید به:

S. de Beaucueil, 'Une ébauche persane des *Manazil as-Sairin*': le *Kitab-è Sad maydān de* Abdallāh Ansārī (= *Mélanges islamologiques*, 2), Cairo 1954, pp. 4-6, 23.

۱۰. سنت متنی معادلی است که ما برای textual tradition انتخاب کرده‌ایم و منظور از آن تغییراتی است که متن در طول تاریخ از کتابتی به کتابتی کرده است.

۱۱. بنگرید به: سرژ دو بوروکوی، خواجه عبدالله انصاری، ص ۱۰۵.

کرده است.^{۱۲}

این چهار اثر که یکی به فارسی و سه تای دیگر به عربی است مسلماً در زمان حیات انصاری نوشته شده و وی به نحوی آنها را تأیید کرده است. در مورد سایر آثار بر جای مانده منسوب به او (که همگی به فارسی است) وضع چنین نیست.

دربارهٔ المختصر فی آداب الصوفیه که نسخهٔ خطی آن متعلق به ۷۷۰ و در استانبول (شهبذ علی ۱۳۹۳) محفوظ است، دو بوروکوی مصحح آن معتقد است که این اثر یادداشت‌های مرید گمنام خواجه است که بیانات پیر خود را شنیده و اندکی پس از مرگ وی آن را تدوین کرده است.^{۱۳} طبقات الصوفیه هم شبیه همین اثر است، با این تفاوت که قطورتر و دشوارتر است. در هیچ یک از پنج نسخهٔ شناخته شدهٔ این اثر (که کهن‌ترین آنها متعلق به ۶۷۱ است)^{۱۴} به سنت متنی خود اثر اشاره نشده است. اسنادهای بسیاری (به خواجه عبدالله) در داخل متن همراه نقل قول‌های مختلف او آمده است، ولی هیچ یک سندی مبنی بر اینکه این اثر پس از مرگ انصاری نگاشته شده است، ندارد و «اجازه» شناخته شده‌ای هم به دست نیامده است. کلام انصاری اغلب با عبارت «شیخ الاسلام گفت» آغاز می‌شود و گاه به دنبال آن عبارتی در طلب خیر برای متوفی (نظیر رحمة الله علیه) می‌آید. در جایی مؤلف طبقات ظاهراً به منبعی به خط خود انصاری ارجاع می‌دهد: در فصل حلاج می‌خوانیم: «در جزوه‌های شیخ الاسلام بود به خط خود وی نوشته، روزنامه‌های این فصل».^{۱۵}

به طور کلی طبقات الصوفیه تا آنجا که می‌دانیم حاصل یادداشت‌هایی است که مریدان گمنام خواجه عبدالله از مجالس و عظ او برگرفته و احتمالاً پس از مرگ وی تدوین کرده‌اند. به نظر سرژ دو بوروکوی طبقات برگرفته از تعالیم مجالس خصوصی پیر است که در خانقاه او در هرات

۱۲. بنگرید به:

S. de Laugier de Beaurecueil, 'Un petit traité de 'Abdallāh Ansāri sur les déficiences inhérentes à certaines demeures spirituelles', in: *Mélanges Louis Massignon*, I, Damascus 1956, pp. 159-160.

۱۳. بنگرید به:

S. de Laugier de Beaurecueil, 'Un opuscule de Khwādja 'Abdallāh Ansāri concernant les bienséances des Soufis', in: *Bulletin de l'Institut Français d'Archéologie Orientale*, 59 (1960), p. 209.

۱۴. چاپ عبدالحق حبیبی، کابل، ۱۳۴۱، ص ۴۱-۳۶؛ چاپ محمد سرور مولایی، تهران ۱۹۶۲، ص ۱۰۷-۱۰۳.

۱۵. چاپ حبیبی، ص ۳۲۱؛ چاپ سرور مولایی، ص ۳۸۳.

تشکیل می‌شد.^{۱۶} شیوه و ترتیب مطالب در این اثر، به همین صورت که اکنون در دست است، تا اندازه‌ای مبهم است. به ویژه در مقایسه با آثار شناخته‌شده و نسبتاً دقیق چون منازل السائرین که به دستور پیر املاء شده است. این کتاب به نثری ساده نگاشته شده و ابیاتی از اشعار عربی و قطعات موجزی از مسجعات معروف فارسی در جای جای آن به چشم می‌خورد. این مسجعات نیز با عبارت «فی مناجاته» و یا تنها با تعبیر ندایی «الهی» آغاز می‌شود. به نظر می‌رسد که این قطعات از میان مناجات‌های بسیاری که طی قرن‌ها به انصاری نسبت داده شده، اصل‌ترین است.

پس از چاپ مقاله: «طبقات انصاری به زبان هروی قدیم» نوشته و. ایوانف در نشریه: *the Journal of the Royal Asiatic Society of 1923* (ص ۳۴-۱، ۲۸۳-۳۳۷)، زبان طبقات مورد توجه قرار گرفت. عبارت «زبان هروی قدیم»^{۱۷} برگرفته از مقدمه جامی بر نفعات الانس است و به گویش مردم شهر هرات در عصر انصاری اشاره می‌کند. این ویژگی‌های گویشی که مشخصه این قطعات منثور و مسجع است، مشکل تازه‌ای پیش روی ما قرار می‌دهد: دواثر صمدیدان و مختصر فی آداب الصوفیه که احتمال صحّت انتساب آنها به انصاری بیش از طبقات است، چنین ویژگی‌های گویشی ندارند.^{۱۸} شاید این مسئله را بتوان چنین تبیین کرد که کاتبان نسل‌های بعد کوشیده‌اند تا این متون را با نثر زمان خویش منطبق کنند. اما میان کهن‌ترین نسخه‌های خطی طبقات (نافذپاشا، ش ۴۲۶ مورخ ۶۷۱، نور عثمانیه، ش ۲۰۸۰، مورخ ۸۳۹ و یوسف آغا، ش ۵۸۸۶ مورخ ۸۶۲) و نسخه خطی منحصر به فرد مختصر (شهید علی، ش ۱۳۹۳ مورخ ۷۷۰) تفاوت زمانی چندانی وجود ندارد و قدیم‌ترین نسخه خطی صمدیدان (مُراد ملا، ش ۱۸۲۵ مورخ ۸۵۲) نیز تقریباً در همان دوره نگاشته شده است. یک احتمال دیگر هست و آن اینکه پیر هرات در بیان برخی مطالب مثلاً در مجالس عمومی گویش کمابیش فارسی ادبی را بر می‌گزیده، لیکن در مجلس شاگردان و دوستان خویش به گویش هراتی سخن می‌گفته و همچنین برای بیان مطالب علمی از زبان عربی بهره می‌گرفته است. بررسی دقیق سیر تاریخی نسخه‌های خطی در این خصوص مسئله تنوع سه‌گانه زبانی خواجه عبدالله را روشنتر می‌کند.

۱۶. خواجه عبدالله انصاری، ص ۱۲۰، شماره ۲.

۱۷. چاپ م. توحیدی پور، تهران ۱۳۳۷، ص ۴.

۱۸. بنگرید به:

G. Lazard, *La langue des plus anciens monuments de la prose persane*, Paris 1963, pp.

بسیاری از این گونه ویژگی‌های گویشی در تفسیر کشف الاسرار رشیدالدین میبیدی مورخ ۵۲۰، یعنی سی و نه سال پس از فوت انصاری، به چشم می‌خورد. میبیدی در مقدمه عربی خود می‌گوید که: «کتاب شیخ الاسلام... عبدالله... الانصاری (قدس الله روحه) فی تفسیر القرآن» را مطالعه کرده، و آن را از جهت «ترصیع» و دقت در لفظ و معنی در حد اعجاز یافته است، اما به دلیل ایجاز و اختصار بسیار آن تصمیم گرفته است تا شرحی بر آن بنویسد.^{۱۹} همین کار را هم کرده است. شرح او در چاپ علی اصغر حکمت بالغ بر ده جلد است.^{۲۰}

در منابع دیگر از قرن هشتم به بعد هم اشاره‌هایی به تفسیر انصاری دیده می‌شود، اما ظاهراً اصل متن باقی نمانده است. برتلس^{۲۱} توجه ما را به این معنی جلب می‌کند که نویسنده مجالس العشاق در قرن نهم هجری تفسیر قرآن انصاری را تفسیری «به زبان درویشان» خوانده است.^{۲۲} نظر ژیلبر لازار^{۲۳} مبنی بر اینکه این اثر نشانگر شیوه مجلس گفتن صوفیانه، یعنی مجلس گفتن به بیانی موزون، مسجع و شاعرانه است، منطقی به نظر می‌رسد.^{۲۴} اگرچه این گونه مسجعات با نام خواجه عبدالله پیوندی خاص یافته، لیکن بسیاری از مشایخ صوفیه پیش از او نیز بدین شیوه سخن می‌گفته‌اند. پیر او شیخ ابوالحسن خرقانی (ف. ۴۲۵) بدین نحوه بیان شهرت داشت، هر چند نمونه مناجات او که مؤلفی ناشناس در گزیده‌ای از زندگینامه وی، نورالعلوم گرد آورده کمتر موزون و مسجع است.^{۲۵} با این همه جملات آن با «الهی» (یا تعبیر فارسی «خداوند») آغاز می‌شود.

در کشف الاسرار نقل قول‌های بسیار مکرری از انصاری آمده است که معمولاً با عبارت «پیر طریقت گفت» آغاز می‌شود و به نظر می‌رسد که منبع میبیدی اثر مکتوبی شبیه طبقات الصوفیه بوده است که

۱۹. چاپ علی اصغر حکمت، ج ۱، تهران ۱۳۳۱ (تجدید چاپ ۱۳۶۱)، ص ۱.

۲۰. تهران ۱۳۳۱-۳۹ چاپ مجدد به همراه یک جلد ضمیمه، تهران ۶۳-۱۳۶۱.

21. E. Bertels

22. E. Bertels, 'Grundlinien der Entwicklungsgeschichte des Sufischen Lehrgedichts in Persien', in: *Islamica* 3 (1972), p. 15.

(بنگريد به: مجالس العشاق، به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد، تهران ۱۳۷۵، ص ۸۱-م)

23. Gilbert Lazard

24. G. Lazard, *La langue*, p. 109.

25. E. E. Bertels, *Izbrannye trudy: 'Sufizm i sufijskaja literatura*, Moscow 1965, pp. 225-278, esp. p. 241.

همچنین بنگريد به: مجتبی مینوی، احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی، ج ۳، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۱۸.

شاگردان انصاری از مجالس درس وی گرد آورده بودند. میبیدی نیز، که خود خراسانی است، متعلق به نسل پس از انصاری بوده است، و احتمالاً به نسخه‌ای از گفته‌های وی که مستقیماً از حلقهٔ درس پیر اخذ شده دسترسی داشته است. بنابراین، بسیاری از مناجاتهای کشف‌الاسرار که با عبارت «پیر طریقت گفت» آغاز می‌شود، تقریباً به اندازهٔ مناجاتهای طبقات موثق است. یک محقق هراتی، به نام محمد آصف فکرت، مناجاتهای این دو اثر (و چند منبع دیگر) را استخراج کرده، او هشتاد و هشت نقل قول از کشف‌الاسرار و پانزده نقل قول از طبقات بر شمرده است (که در مناجات و گفتار پیر هرات خواجه عبدالله انصاری هروی، کابل ۱۳۵۵ به چاپ رسیده است). این قطعات باید در تحقیقات بعدی دربارهٔ سیر تحولات متن مناجات اساس قرار گیرد.

بقیهٔ آثار منسوب به انصاری نسبتاً نامنظم است. جملهٔ این آثار به زبان فارسی ادبی (عموماً بدون ویژگیهای گویشی) است و آمیخته‌ای از نثر ساده، شعر و نثر مسجع با موضوعات کاملاً متفاوت است. متون مذکور در نسخ خطی قرن نهم به بعد، تحت عناوینی مانند مجموعهٔ رسائل عبدالله انصاری گردآوری شده است؛ مانند نسخهٔ خطی استانبول، مراد ملاً شمارهٔ ۱۸۲۵ (با شمارهٔ سابق ۱۷۹۶ قابل بازیابی نیست)، مورخ ۸۵۲-۵۵^{۲۶} و نسخهٔ خطی سرفراز شمارهٔ ۳۸ محفوظ در کتابخانهٔ دانشگاه بمبئی، بی‌تاریخ که ظاهراً قدیم‌تر و به خط «نسخ خالی از ظرافت» نوشته شده است.^{۲۷} هلموت ریتر^{۲۸} برای تهیهٔ کتابشناسی انصاری در جلد هشتم "Philologica" از نسخهٔ خطی مشابهی موجود در استانبول، شهیدعلی شمارهٔ ۱۳۸۳، مورخ ۹۰۶ استفاده کرده است.^{۲۹}

نسخه‌های شهیدعلی و بمبئی حاوی آثار و ترتیبی مشابه است، در حالی که نسخهٔ مراد ملاً که از دو نسخهٔ دیگر قدیم‌تر است با رساله‌ای در چهل و دو فصل دربارهٔ تصوّف آغاز می‌شود (فصول چهل و دو در تصوّف) که در مجموعه‌های دیگر ترتیب قرار گرفتن آن این چنین نیست. این رساله را محمود شیروانی با عنوان مجموعهٔ رسائل خواجه عبدالله انصاری در تهران ۱۳۵۲ به چاپ رسانیده است (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۶۱). هر سه مجموعه این آثار را در بردارد: صمدیدان، محبت‌نامه، قلندرنامه، کزالتالکین

۲۶. بنگرید به: تحسین یازیجی، کزالتالکین و با زادالعارفین عبدالله انصاری در مجموعهٔ شرکیات ۱ (۱۹۵۶)، ص ۶۷-۶۰.

27. A. Sarfarāz, *Descriptive catalogue of the Arabic, Persian and Urdu manuscripts in the Library of the University of Bombay, Bombay 1935*, pp. 138-142.

28. Hellmut Ritter

۲۹. نشریهٔ *Der Istam*، ش ۲۲ (۱۹۳۵)، ص ۸۹-۱۰۰.

والهی نامه (آخرین اثر در مجموعه مرادماً به ترتیب دیگری آمده و مناجات نامیده شده است). دو مجموعه بیمنی و شهیدعلی سه اثر دیگر به نامهای واردات، پرده حجاب و سوال دل از جان را نیز در بر دارد. چنین به نظر می‌رسد که کنزالسالكین (یا گنج‌نامه) نامی است که بر مجموعه‌ای از رسائل کوچک می‌نهادند. آثاری که تحت این عنوان آمده است چه بسا محتوای کاملاً متفاوتی داشته باشد، مؤید این مطلب دو نمونه‌ای است که یکی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی ایوانف در مجموعه انجمن آسیایی بنگال^{۳۰} (کلکته، ۱۹۲۴)، به شماره‌های ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹، و دیگری در فهرست نسخه‌های خطی فارسی «ایندیای آفیس دهلی»^{۳۱} آربری (که متأسفانه هنوز به چاپ نرسیده) به شماره ۱۰۹۶b (متفاوت است با شماره ۱۰۹۶a همان مجموعه که با نسخه شهیدعلی به شماره ۱۳۸۸ مطابقت دارد) آمده است. تحسین یازجی تصحیح انتقادی نسخه‌ای از کنزالسالكین را در مجلدات اول، سوم، چهارم و پنجم *Şarkiyat mecmuasi* به چاپ رسانده است.^{۳۲} در این تصحیح او از نسخه‌ای با عنوان زادالعارفین که به همراه کنزالسالكین در نسخه خطی مرادماً شماره ۱۸۹۵ (با دو متن تقریباً مطابق) آمده، نیز استفاده کرده است. این مسئله هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم شماری از متون متأخر آسیای میانه منازل السائرین نامیده شده و معلوم می‌شود که اصل منازل السائرین در آن مناطق مفقود و فراموش شده است. والتین ژوکوفسکی^{۳۳} در سال ۱۸۹۵ غزلیات، گزیده‌ای از بیست غزل با تخلص انصاری، پیر انصاری یا پیر انصار را منتشر کرد که در آن از هر سه نسخه آن منازل السائرین بدلی استفاده کرده است.^{۳۴}

روی هم رفته دسته دوم آثار منسوب به انصاری مغشوش و نامنظم است (و من فقط گزیده‌ای از عناوین مربوط بدانها را مطرح کرده‌ام). این‌گونه رسائل انصاری موضوع مشخصی ندارد. ترتیب قرار گرفتن مطالب نیز در نسخه‌های مختلف متفاوت است، و حتی گاه عناوین مشخصی چون کنزالسالكین به متون مختلف اطلاق می‌شود. بیشتر این مطالب ساختگی است. پیش از این و. ایوانف^{۳۵} گفته بود که

30. Ivanow, *Catalogue of the Persian Manuscripts in the Collection of the Asiatic Society of Bengal*

31. "India Office Delhi Persian Manuscripts"

۳۲. استانبول ۱۹۵۶-۶۴: ۱۱ (۱۹۵۶)، ص ۵۹-۸۸؛ ۳ (۱۹۵۹)، ص ۲۵-۴۹؛ ۴ (۱۹۶۱)، ص ۸۷-۹۶؛ ۵ (۱۹۶۴)، ص ۳۱-۴۴.

33. Valentin Zhokovski

34. *Vostočnye Zametki*, S.-Petersburg 1895, pp. 79-113.

35. W. Ivanow

می‌توان اشاراتی به وقایع پس از فوت انصاری در آن یافت.^{۳۶} مهمترین ویژگی این متون نثر مسجعشان است و غزلیات احتمالاً ساختگی با تخلص پیر انصار همگی هسته اصلی شان مناجات است که عموماً با «الهی» آغاز می‌شود، به همین جهت مجموعه آنها به الهی‌نامه نیز معروف شده است. این مناجات‌ها در صدها نسخه خطی در مجموعه‌های سراسر دنیا یافت می‌شود. احمد منزوی فقط در پاکستان هفتاد و پنج نسخه خطی از این دست را در مجموعه خویش، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۴ فهرست کرده است.^{۳۷} در فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی (ج ۲، تهران، ۱۳۴۹) نود و دو نسخه خطی با بیش از سیزده آغاز مختلف با نام کلمات (= گفتار = مناجات، ص ۲۶-۱۳۲۲، شماره ۵۳۴-۱۲۴۴۳) و دوازده صورت دیگر با عنوان الهی‌نامه (ص ۴۹-۱۰۴۸، شماره ۴۲-۹۶۳۲) معرفی شده است. و علاوه بر این بسیاری دیگر از آنها یا هنوز فهرست نشده و یا در مجموعه‌های نه چندان معروف آمده است. کهن‌ترین نسخه‌ها را در جموعات، به همراه آثاری از مؤلفان دیگر متعلق به اواسط قرن هشتم (دو نسخه استانبول: حسین چلبی (Husein Celebi) شماره ۱۱۸۴ مورخ ۷۵۶ و شهیدعلی شماره ۲۷۰۳ مورخ ۷۸۹) و نسخه خطی رسائل انصاری متعلق به اواسط قرن نهم (مراد ملا شماره ۱۸۲۵ مورخ ۵۵-۸۵۲) و نسخه‌های دیگری که در بالا ذکر شد می‌توان یافت. در قرون اخیر این اثر به صورت کتابهای یک جلدی نیز در آمده است.

این اثر از قرن پیش تاکنون چاپهای متعددی شده است که عموماً سنگی است. من در حدود سی چاپ را ثبت کرده‌ام، که قدیم‌ترین آنها مورخ ۱۲۷۹ و ۱۲۸۴ ق (تهران) است، اما احتمالاً در میان کتابهای کوچک مذهبی عامه پسند در بازارهای هند، پاکستان، افغانستان و ایران نسخه‌های بسیار دیگری نیز می‌توان یافت. نکته در خور توجه درباره این مناجات‌ها رایج بودن آنها در میان «خاص و عام» است. این مناجات‌ها نسخه‌های مزین و خوش خط دارد که به سلاطین پیشکش شده است. مثلاً در نسخه‌های طوب قاپوسرا در استانبول (خزینة ۲۴۹ متعلق به ۹۷۱ و خزینة ۲۵۹، و احتمالاً آن هم متعلق به قرن دهم^{۳۸}) و در کتابخانه‌هایی که پیش‌تر به ایلخانان مغول تعلق داشت و «کتابخانه عامه» در کابل (شماره ۲۶۸/۴۹؟۱۸۴ از قرن دهم هجری)، همچنین در چاپی منقح با برگهای زرین که انجمن

۳۶. بنگرید به: و. ایوانف، مجموعه انجمن آسیایی بنگال، ۱۹۲۴، ص ۵۵۵.

۳۷. ص ۲۴۱۶-۲۴۱۱ (کلمات خواجه عبدالله، شماره ۱۳۲۷۳-۱۳۱۹۹).

38. F. E. Karatay, *Topkapi Sarayi Müzesi Kütüphanesi farsça yazmalar Kataloğu*, Istanbul 1961, pp. 11-12 (Nos. 30-31).

دوستاناران کتاب به تعداد محدود در سال ۱۳۳۳ شمسی در تهران منتشر کرده است. آخرین نمونه‌ای که من از چاپ عادی این اثر دیده‌ام چاپ افسقی است احتمالاً متعلق به ۱۹۸۵ م تحت عنوان دیوان ملفوظات حضرت خواجه عبدالله انصاری که انتشارات سیدیان در مهاباد کردستان منتشر کرده است (که در واقع چاپ مجددی است از چاپ سنگی حیدرآباد هند متعلق به ۱۳۱۰ ق).

مناجات غالباً در مجموعه‌ها به همراه نصیحت‌نامه‌هایی که نثر مسجع دارند و به انصاری منسوبند با عناوین نصاب، نصیحت‌نامه، پندنامه یا مانند آن یافت می‌شود (در مراد ملأ نسخه شماره ۱۸۲۵ مورخ ۸۵۳ تحت عنوان مقالات فی الموعظة لِنظام الملک الطوسی^{۳۹}). صورتی از آن را برتلس (E. Bertels) در صفحات ۵۰-۱۱۳۹ *Izvestija Akademii Nauk SSSR* در ۱۹۲۶ با عنوان «نامه عبدالله انصاری به وزیر»^{۴۰} ترجمه و چاپ کرده است و نیز با عنوان مناجات و نصاب در برلین انتشارات کاویانی در ۱۳۴۲ ش / ۱۹۲۴ م به چاپ رسیده است. مجموعه‌ای از گفتار منسوب به انصاری شامل مناجات (که با «الهی» آغاز می‌شود) و نصاب (که با «ای عزیز» آغاز می‌گردد) را شخصی به نام علی بن طیفور بسطامی با عنوان انوارالتحقیق گرد آورده است. به گفته سعید نفیسی در جلد دوم تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی (تهران ۱۳۴۴ ش، ص ۷۸۰)، این بسطامی صوفی قرن نهم هجری بوده است. اما نگارنده نسخه‌ای از این اثر ندیده‌ام که قدیم‌تر از قرن سیزدهم باشد. انوارالتحقیق در بمبئی در ۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۵-۹۶ م (پیش از چاپ تهران در ۱۲۹۱ ق) و همچنین در شیراز در سال ۱۳۵۱ ق و در تهران در ۱۳۴۰ ش به چاپ رسیده است.^{۴۱}

به جز مسجعات که مضامین گوناگون دارد و غزلیات با تخلص پیر انصار، نوع دیگری از ادبیات فارسی را نیز به انصاری نسبت داده‌اند. و آن «رباعی» صوفیانه و شبه صوفیانه است: نمونه‌هایی از

۳۹. بنگرید به:

T. Yazici, supra, n. 17, p. 64, and H. Ritter, *Philologica* VII, p. 95 (Našīḥa-i Nizām al-Mulk).

۴۰. چاپ مجدد در،

E. Bertels, *Izbrannye trudy: Sufizm i Sufiskaja Literatura*, Moscow 1965, pp. 300-309.

(بنگرید به: تصوف و ادبیات تصوف، یوگنی ادواردویچ برتلس، ترجمه سیروس ایزدی، تهران ۱۳۵۷، ص ۳۹۹-م).

۴۱. تحریر کوتاه و مقدماتی این تحقیق پیشتر در مقاله دیگر نگارنده.

“An approach to the textual history of the *Munājāt* of khwāja ‘Abdu’ llāh Anšārī, in: *Afghanistan* 30 (1977): 2, pp. 86-91

به چاپ رسیده است.

این «رباعیات» را در کشف‌الاسرار می‌توان یافت. در برخی چاپها مجموعه‌های «رباعیات» منسوب به انصاری به همراه رباعیات منسوب به باباطاهر همدانی، ابوسعید ابوالخیر، اوحالدین کرمانی و عمر خیام آمده است. در حدود سی رباعی از این دست در مناجات و نصاب و نیز در رباعیات و مناجات منسوب به انصاری به همراه رباعیات خیام، باباطاهر و ابوسعید در بمبئی ۱۳۰۸ ق (چاپ سنگی) به چاپ رسیده است. این رباعیات پیچیدگی‌های مختص به خود را دارد که باید جداگانه بررسی شود.

سرژ دو بوروکوی تنها کسی است که چاپ انتقادی از متن مناجات را تهیه کرده و از این جهت شایسته قدردانی است. او آن را با عنوان الهی‌نامه در شماره ۴۷ «بولتن انستیتوی فرانسیسی باستان‌شناسی شرقی (قاهره، ۱۹۴۸، ص ۱۷۰-۱۵۱) چاپ کرده است.^{۴۲} او در آنجا، متن نسخه خطی شماره ۱۳۸۳ شهیدعلی استانبول مورخ ۹۰۴ را نسخه اصل قرار داده است (همان نسخه‌ای که ریتر در «کتابشناسی انصاری» در *Philologica* جلد هشتم از آن استفاده کرده است). دو بوروکوی در حواشی به شباهتهای مناجات چاپ کاویانی (برلین ۱۹۲۴) و دو رساله دیگر همان مجموعه خطی استانبول، یعنی پرده حجاب و واردات و انوارالتحقیق چاپ شیراز (۱۳۵۱ ق) اشاره کرده است.

روی هم رفته منابع گوناگونی که از متن مناجات وجود دارد به لحاظ محتوا، ترتیب مطالب و الفاظ مورد استفاده، بسیار متفاوت است. در متونی که من به آنها دسترسی دارم، ده نوع مختلف عبارت آغازین به کار رفته است و این مسئله پیچیده‌ای است. با این همه دست‌کم می‌توان میان این متون نظمی یافت. اکثر این متون با این غزل آغاز می‌شود: «ای ز دردت خستگان را بوی درمان آمده»، یا با عبارت دعایی: «ای کریمی که بخشنده عطایی» که بلافاصله پس از آن غزل آمده است. و بسیاری از عبارات آغازین دیگر را می‌توان در داخل متن در عباراتی که متعاقباً آمده است، یافت.

دنبال کردن عباراتی که از مناجات در طبقات‌الصوفیه و کشف‌الاسرار نقل شده، براساس متون متأخر دشوار است. اما می‌توان ارتباطهایی میان آنها یافت. در صفحه ۱۰۲ (و همچنین ص ۲۵۰) از طبقات چاپ حبیبی آمده است: «شیخ‌الاسلام گفت در مناجات الهی این چیست که دوستان خود را کردی هر که ایشان را جست ترا یافت و تا ترا ندید ایشان را نشناخت». این عبارت دعایی مسلماً اصیل همان است که شماری از متون مناجات با آن آغاز می‌شود. مثلاً در آغاز متن چاپ متقح

۴۲. این مقاله به فارسی ترجمه شده است: سرژ دو بوروکوی، الهی‌نامه، ترجمه اسماعیل سعادت، معارف، شماره ۴۸ (آذر - اسفند ۷۸)، ص ۶۷-۵۶.

تهران ۱۳۳۳ ش چنین آمده است: «الهی این چه فضل است که با دوستان خود کرده‌ای که هر که ترا شناخت ایشان را یافت و هر که ترا یافت ایشان را شناخت». چاپ کاویانی با این غزل آغاز می‌شود: «ای ز دردت...». اما در چند صفحه بعد آن (ص ۹ و ۱۰) این دعا نیز با تفصیل بیشتر آمده است: «الهی چه فضیلت است که با دوستان همراه کرده‌ای و به چه سعادت ایشان را در دنیا آورده‌ای، هر که ترا یافت ایشان را شناخت و هر که ایشان را شناخت ترا یافت».

این قطعه را می‌توان نمونه نادری از تداوم سنت متنی مناجات به شمار آورد. اما به‌طور عام برای عمدهٔ مطالب نامعلوم و نامشخص تداومی وجود ندارد و یا اگر هست جزئی است. این متون بی‌تردید در طی قرون گسترش و تغییر یافته است. دو بوروکوی این مطلب را در ضمن شرح احوال خواجه عبدالله انصاری، صوفی حنبلی (بیروت ۱۹۶۵، ص ۲۸۷) بیان کرده است: «آنچه موجب شهرت او در جهان ایرانی شده است مناجات‌های اوست. این مناجات‌ها، ضمن انتشار، غالباً تغییر کلی یافته‌اند، و همچنین بر حجم آنها افزوده شده است...».

در حدود پانزده سال است که من برای تحقیق دربارهٔ تاریخ متنی مناجات مطالبی گردآوری می‌کنم. چنانکه احتمالاً از گزارش من دریافته‌اید، این مطلب بیش از حدبسط یافته و پیچیدگی‌های آن نیز چند برابر شده است. بنابراین، ضروری است که قطعات مسجعات از همهٔ منابع معتبر جمع‌آوری و به طریقی منظم گردد، تا بتوان نسخه‌های مختلف را با هم مقایسه کرد. این کار ترجیحاً باید به کمک پردازش کامپیوتری صورت گیرد. مسلماً الفبایی کردن لغات مسجع در ترتیب و تنظیم مطالب کمک می‌کند. این کار ممکن است به نظر دشوار آید، اما کاری است ارزشمند. به هر حال این تغییرات در سنت متنی نشان می‌دهد که این متون در طول نه‌قرنی که از درگذشت انصاری می‌گذرد، تا چه اندازه مورد توجه بوده است. بازسازی سیر تاریخی این متون در حکم بازسازی تاریخ یکی از جنبه‌های حیات معنوی مسلمانان فارسی زبان است.